

به نام آنکه به ما مهرورزیدن آموخت.

برگزیده‌ی مقالات والتر بنیامین (بنجامین)

کار هنر در دوران بازتولید مکانیکی
رساله‌هایی در باب مفهوم تاریخ
نقد خشونت و...

گردآوری و ترجمه‌ی
رویا منجم



سنگی

فهرست مطالب

۴	زندگینامه
۱۱	کار هنر در دوران بازتولید مکانیکی
۵۵	کار و تکلیف مترجم
۷۵	درباره‌ی مفهوم تاریخ
۹۱	نقد خشونت
۱۲۱	پاریس در سده‌ی نوزدهم
۲۲۹	بیان تاریخی گذشته والتر بنجامین

تمامی مقاله‌های بنجامین از کتاب *روشنگری‌ها*، *بازاندیشی‌ها* و مقاله‌های والتر بنجامین، ترجمه‌ی زوهن هاری با ویرایش حنا آرندت به فارسی ترجمه شده است.

کار هنر در دوران بازتولید مکانیکی

هنرهای زیبای ما در روزگارانی گونه‌های خود را رشد بخشیدند و کاربردهای خود را جا انداختند که تفاوت زیادی با این زمان داشت و کسانی آن را پیش بردند که نیروی کنششان بر چیزها در مقایسه با ما ناچیز بود. اما رشد شگفت انگیز فنون ما، سازش‌پذیری و دقتی که به دست آورده‌اند، انگاره‌ها و عاداتی که می‌آفرینند، این قطعیت را به وجود می‌آورد که تغییرات ژرفی در دست‌ورزی‌های باستانی زیبا در شرف رویداد است. در تمامی هنرها جزئی فیزیکی وجود دارد که دیگر نمی‌تواند مانند گذشته در موردش پنداشته یا با آن برخورد شود و شناخت و دانش و توانمندی ما نمی‌تواند روی آن تأثیر نداشته باشد. در بیست سال گذشته فضا و زمان چیزی نبوده که از ازل بوده است، ما باید منتظر نوآوری‌هایی باشیم که کل تکنیک هنرها را دگرگون کند و از این راه بر نوآوری و اختراع هنری تأثیر بگذارد و شاید حتی تغییر شگفت آوری در برداشت ما از هنر به وجود آورد.

پل والرئ دربارہ هنر

دیباچه

زمانی که مارکس به نقد شیوه‌ی سرمایه‌داری تولید پرداخت، این شیوه هنوز در حالت جنینی خود بود. مارکس تلاش‌هایش را در جهتی به کار برد که به آنها ارزش پیشگویی‌کننده دهد. او به شرایط بنیادینی بازگشت که اساس تولید سرمایه‌داری را می‌ساخت و از راه بازنمایی خود نشان داد که انتظار چه چیزی را می‌توان در آینده داشت. نتیجه این بود که می‌شد انتظار داشت سرمایه‌داری نه تنها با شدت فزاینده‌ای پرولتاریا را استثمار کند، بلکه در نهایت شرایطی را بیافریند که از هم‌پاشی این شیوه‌ی تولید را شدنی سازد.

دگرگونی روساخت که بسیار آهسته‌تر از زیرساخت روی می‌دهد، بیش از نیم سده به درازا انجامید تا تغییر در شرایط تولید را در تمامی حوزه‌های فرهنگ متجلی کند. تنها امروز است که می‌توان نشان داد چه شکلی به خود گرفته است. این گفته‌ها باید جوابگوی نیازهای پیش‌بینی‌کننده‌ی خاصی باشند. با این حال، رساله‌هایی که درباره‌ی هنر پرولتاریا پس از به دست گرفتن قدرت یا درباره‌ی هنر جامعه‌ی بی‌طبقه نوشته شده، رابطه‌ی درونی کمتری با این مطالبات دارد تا رساله‌هایی که درباره‌ی گرایشهای مربوط به رشد هنر در شرایط کنونی تولید وجود دارد. دیالکتیک آنها در روساخت به همان اندازه توجه‌برانگیز است که در اقتصاد. برای همین درست نیست که ارزش این رساله‌ها به عنوان جنگ‌افزار را دست کم گرفت. آنها شماری از مفاهیم کهنه‌شده و منسوخ مانند آفرینندگی و نبوغ، ارزش و راز ابدی را به کنار می‌رانند - مفاهیمی را که کاربرد کنترل‌نشده (و در حال حاضر کمابیش کنترل‌ناشدنی)شان به پردازش داده‌ها به مفهوم فاشیستی می‌رسد. مفاهیمی که با آنچه در زیر می‌آید به نظریه‌ی هنر معرفی می‌شود، از آن لحاظ با اصطلاحات بیشتر

آشنا تفاوت دارند که هیچ سودی برای اهداف فاشیسم ندارند. از سوی دیگر برای قالب‌ریزی مطالبات انقلابی در سیاست هنر سودآورند.

I

یک کار هنری در اصل همیشه بازتولیدپذیر بوده است. کارهای ساخته‌ی دست مردم همیشه می‌توانند مورد تقلید مردمان دیگر قرار بگیرند. همیشه روساخته‌هایی به دست کارآموزان هر پیشه‌ای به عنوان تمرین، به دست استادان برای پراکنده کردن کارهایشان و سرانجام به دست اشخاص سومی برای به دست آوردن سود ساخته شده‌اند. با وجود این، بازتولید مکانیکی کار هنری چیز تازه‌ای را بازنمایی می‌کند. این شیوه‌ی بازتولید از لحاظ تاریخی به شکلی متناوب و در فاصله‌های طولانی به شکل جهشی اما با شدتی شتاب‌یافته پیشرفت کرده است. یونانیان تنها با دو رویه‌ی بازتولید تکنیکی آثار هنری آشنا بودند: قالب‌ریزی و مهر سازی. کارهای برنزی، سفالی و سکه تنها آثار هنری بودند که آنها می‌توانستند در شمار بالا بازتولید کنند. با نقش زدن روی قالب چوبی، هنر برای نخستین‌بار به شکلی مکانیکی بازتولیدپذیر گشت، آن هم مدتها پیش از آنکه دست‌نوشته با چاپ بازتولیدپذیر شود. تغییرات شگرفی که چاپ، بازتولید مکانیکی نوشتار در ادبیات به وجود آورده داستانی آشناست. با این حال، در چهارچوب پدیده‌ای که ما در اینجا در حال کندوکاو آن از چشم‌انداز تاریخ دنیا هستیم، چاپ نمونه‌ای خاص و به ویژه مهم است. در سده‌های میانی حکاکی یا ژرف‌نگاری engraving و نقش‌اندازی etching به قالب چوبی افزوده شدند و در آغاز سده‌ی بیستم لیتوگرافی پا به دنیا گذاشت.

با لیتوگرافی تکنیک بازتولید به شکلی جوهری به مرحله‌ی تازه‌ای